

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) - 5 / تیر / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنده هم این روز عید سعید را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز بوشهری تبریک عرض میکنم. راه طولانی‌ای را پیمودید و حسینیه‌ی ما را با انفاس معطر برآمده از دل‌های ولایتمدار معطر کردید.

خاطره‌ای که از مردم بوشهر در ذهن تاریخ ماست، خاطره‌ی بسیار روشن و افتخارآمیزی است. همان طور که امام جمعه‌ی محترم (1) - که بحمدالله عالم فرزانه‌ای هستند - اشاره کردند، بوشهر تاریخ روشن و افتخارآمیزی دارد. مردم شجاع و مؤمن در آن منطقه بارها و بارها توانسته‌اند دشمنان این کشور و دشمنان این ملت را به عقب‌نشینی وادار کنند و آنها را مغلوب کنند. نام علمای نام‌آور بوشهر که ایشان اسم آوردند و چهره‌های معروفی هستند، حقاً جزو نامهای درخشان روحانیت شیعه است. نام سردار مؤمن و شجاعی مثل شهید «رئیسعلی دلواری» از نامهای است که همیشه دل‌های مؤمن را که آشنائی به وضع او و مبارزات او داشته‌اند، در سراسر این کشور به خود جذب میکرده است. و خدا را شاکریم که بعد از پیروزی انقلاب، این نامی که سعی میشد پنهان بماند و این چهره ناشناخته بماند، بر سر زبانها افتاد؛ او را شناختند، شخصیت او را ستودند، مظلومیت و شهادت مظلومانه‌ی او را همه دانستند و فهمیدند. البته امروز با آن دوران خیلی فرق کرده است. آن روز عده‌ی معدودی همراه با یک جوان شجاع ناچار بودند در مقابل قدرت استعماری و استکباری انگلیس، مظلومانه مقاومت کنند؛ اما امروز رئیسعلی‌های دلواری کم نیستند، تنها هم نیستند. این جوانهای عزیز ما، این فداکاران ما، این بسیجیان عرصه‌ی نبرد نظامی و نبرد فرهنگی و نبرد سیاسی، امروز در سراسر کشور گسترده هستند؛ و بوشهر یقیناً یکی از این مراکزی است که چنین انسانهایی را میپرورد و رشد میدهد. بنده فراموش نمیکنم سفری را که چند سال قبل به بوشهر داشتم. من از نزدیک، بروز و ظهور آن روحیه‌ی ایمانی عمیق را در مردم شاهد بودم و دیدم. امروز هم شما دارید این روحیه را نشان میدهید. و همه بدانند، و شما جوانان عزیز بدانید؛ روزگار عوض شده است. آن روزی که قدرتها میتوانستند آزادانه ملت‌های این منطقه را تهدید کنند، تحقیر کنند و هر وقت اراده‌شان تعلق گرفت، بیایند نیرو پیاده کنند و فشار بیاورند، سپری شده است. امروز ملت ایران به عنوان یک ملت مقتدر در دنیا شناخته شده است. مسئله، مسئله‌ی پول نیست، سلاح نیست، ابزارهای تبلیغات نیست که دشمنان ما هزار برابر ما این چیزها را دارند؛ مسئله، مسئله‌ی ایمان است، عزم راسخ است، بصیرت است، آگاهی یک ملت به شأن خود، به جایگاه خود و به حق خود است. امروز دست قدرتهای مستکبر رو شده است. با این همه تبلیغاتی که میکنند، با این همه ابزارهای مدرن تبلیغاتی که در اختیار آنهاست و فضای افکار عمومی دنیا را به خیال خود در مشت دارند، روزبه‌روز آبروی این قدرتها - و در رأس آنها آمریکا - در نزد ملت‌ها بیشتر بر زمین میریزد، بیشتر رسوا میشوند و قدر ایستادگی ملت‌ها و برآمدن قدرتهای ملی، بیشتر روشن میشود. آینده مال شماست، متعلق به شماست. اقتدار حقیقی، حق ملت ایران است و متعلق به ملت ایران است؛ هیچ کس هم نمیتواند این ملت را از این راهی که در پیش گرفته است، منصرف کند.

خوب، امروز روز عید بزرگی است؛ روز ولادت یک شخصیت بی‌نظیر در تاریخ بشر است؛ که ما بعد از وجود مقدس خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله)، هیچ کسی را به عظمت شخصیت امیرالمؤمنین نمیشناسیم. باید امروز عیدی بگیریم. عیدی ما درس گرفتن است؛ درس بگیریم.

شخصیت امیرالمؤمنین از لحظه‌ی ولادت تا هنگام شهادت، در همه‌ی این ادوار، یک شخصیت استثنائی است. ولادت او در جوف کعبه است - که نه قبل از آن حضرت و نه بعد از آن حضرت تا امروز چنین چیزی اتفاق نیفتاده است - شهادت آن بزرگوار هم در مسجد و محراب عبادت است. بین این دو نقطه هم، همه‌ی زندگی امیرالمؤمنین جهاد است و صبر لله است و معرفت است و بصیرت است و حرکت در راه رضای الهی است. در آغاز کودکی، دست تدبیر الهی، علی‌بن‌ابی‌طالب را به آغوش پیغمبر میسپارد. امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) شش ساله بود که پیغمبر او را از خانه‌ی جناب ابی‌طالب به خانه‌ی خود آورد. امیرالمؤمنین در آغوش پیغمبر و در زیر سایه‌ی تربیت آن

حضرت تربیت شد. در هنگام نزول وحی بر پیغمبر، تنها کسی بود که در حراء، در آن لحظات حساس، در کنار پیغمبر حضور پیدا میکرد؛ و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امّه». دنبال پیغمبر، بدون جدا شدن از پیغمبر، امیرالمؤمنین دائماً می‌آموخت. خود حضرت در نهج البلاغه در خطبه‌ی قاصعه میفرماید: «و لقد سمعت رثة الشيطان حين نزل الوحي». میگوید: من صدای ناله‌ی شیطان را در وقتی که بر پیغمبر وحی نازل شد، شنیدم. «فقلت يا رسول الله ما هذه الرثة؟» از پیغمبر پرسیدم: این چه صدائی بود که من شنیدم؟ فرمود: «هذا الشيطان قد ايس من عبادته»؛ این ناله‌ی یأس شیطان بود، از اینکه بتواند مردم را گمراه کند. چراغ هدایت آمد. بعد فرمود: «اِنَّك تسمع ما اسمع و تری ما اری». این، نزدیکی و قرب امیرالمؤمنین به پیغمبر از دوران کودکی است. در دوران کودکی به پیغمبر ایمان آورد، با پیغمبر نماز خواند، با پیغمبر جهاد کرد، برای پیغمبر فداکاری کرد. در طول زندگی خود، در حیات پیغمبر يك جور، بعد از رحلت پیغمبر هم در ادوار مختلف، برای اقامه‌ی حق، اقامه‌ی دین خدا، حفظ اسلام، همه‌ی تلاش خود را به عرصه آورد. از نظر پیغمبر اکرم، میزان حق، امیرالمؤمنین است. از طریق سنی و شیعه نقل شده است که: «علی مع الحق و الحق مع علی يدور حیثما دار»؛ اگر دنبال حقیقت، ببینید علی کجا ایستاده است، او چه میکند، انگشت اشاره‌ی او به کدام سو است. زندگی امیرالمؤمنین يك چنین زندگی‌ای است.

این نهج البلاغه را باید خواند و فراگرفت. در دوران اخیر، بسیاری از متفکران و اندیشمندان غیرمسلمان - نه فقط مسلمانها - با نهج البلاغه آشنا شدند؛ کلمات امیرالمؤمنین را خواندند و دیدند؛ حکمت‌های مجسم در این بیانات را شنیدند و فراگرفتند و از عظمت این کلام و صاحب کلام بهت زده شدند. ما به نهج البلاغه بیش از این بایستی توجه کنیم؛ بیش از این باید فرا بگیریم؛ بیش از این باید از دریای مواج حکمت امیرالمؤمنین بهره ببریم؛ همه‌ی ابعاد کار را روشن میکند، همه‌ی درسها را به ما میدهد. علمای بزرگ اهل سنت درباره‌ی این کلمات تعبیراتی دارند که انسان شگفت زده میشود. امیرالمؤمنین فقط متعلق به شیعه نیست؛ همه‌ی اهل اسلام، همه‌ی کسانی که دل در گروی محبت اسلام دارند، علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) را در قله‌ی عظمت علمی و معنوی و اخلاقی و انسانی و الهی مشاهده میکنند.

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلت‌های نیک يك انسان و يك زمامدار است - انسان مشاهده میکند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت بخشی و بصیرت دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است. در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس میکرد دارد شکست میخورد، برای اینکه جنگ را متوقف کند، قرآن را سر نیزه کرد، يك عده‌ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه‌ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه میکنید؛ شما اینها را نمیشناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح میکنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را میشناسم. «اتی عرفتهم اطفالا و رجالا»؛ من دوره‌ی کودکی اینها را دیدم، دوره‌ی بزرگی اینها را هم دیدم. «فکانوا شرّ اطفال و شرّ رجال»؛ بدترین‌ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر میکنند، قرآن را مطرح میکنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد.

امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و يك سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه‌ی ما باید بدانیم.

امیرالمؤمنین در آن لحظه‌ی فریب و فتنه، به دوستان خود نهیب میزند: «امضوا علی حَقکم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه‌ای که دارید انجام میدهید، این را از دست ندهید و رها نکنید؛ با

حرفهای فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حقکم و صدقکم»؛ راهتان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده‌ایم - غبارآلودگی است، مه‌آلودگی است. نخبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بی‌پنه‌ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن ارجاع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم.

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمنها را نباید خورد. این، خط روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خط روشن را احتیاج داریم.

البته ملت ایران به برکت انقلاب، ملت هشیاری هستند. بسیاری از معضلات این کشور، با بصیرت مردم حل شده است. خیلی اوقات انسان مشاهده میکند که توده‌ی مردم حقایق را از بعضی از خواص و نخبگان بهتر می‌بینند و بهتر می‌فهمند؛ چون تعلقاتشان کمتر است. این از نعمتهای بزرگ است. برادران و خواهران عزیز من! شما بدانید، همه‌ی ملت ایران هم بدانند؛ ملت ایران در راه حرکت به سمت آرمانهای والای اسلامی، ثبات قدم خود را نشان داده است و این ثبات قدم را به توفیق الهی و به فضل الهی حفظ خواهد کرد.

ملت ایران میخواهند در زیر سایه‌ی اسلام، یک ملت سعادت‌مند، مرفه، باکمال، بااخلاق و دارای عزت و اقتدار باشند. ملت ایران در این راه حرکت کرده‌اند، پیشرفت کرده‌اند و کارهای بزرگی انجام داده‌اند. آنچه که امروز در وضع کنونی ما مشاهده میکنید - این پیشرفتهای، این توانائی‌ها، این امکانات فراوان، این مسجل شدن و حتمی شدن شعارهای اصلی انقلاب - اینها آسان به دست نیامده است؛ ملت ایران اینها را با توانائی‌های خودشان، با بصیرت خودشان به دست آوردند و به توفیق الهی این راه را ملت ایران ادامه خواهند داد. آینده متعلق به ملت ایران است. کید دشمنان و مکر بدخواهان نخواهد توانست این ملت را از این راهی که در آن حرکت میکند، منحرف و منحرف کند. جوانهای ما امروز بصیرتشان بحمدالله بصیرت بسیار خوبی است. در عرصه‌های مختلف، جوانهای ما کارهای بزرگی را دارند انجام میدهند؛ این را بایستی روزه‌روز بیشتر کرد. این ثبات قدم را، این ایستادگی را، این التئام و همبستگی ملی را بایستی روزه‌روز بیشتر کرد. تمسک به شعارهای اسلام و تمسک به قرآن و تمسک به سیره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) و به کلمات امیرالمؤمنین روزه‌روز باید بیشتر شود.

ان شاءالله جوانهای ما آن روزی را خواهند دید که دشمنان گردن کلفت زورگوی بین‌المللی و جهانی احساس کنند که دیگر به ملت ایران نمیتوان زور گفت. خداوند به ملت عزیزمان و مسئولین دلسوز و خدمتگزارمان کمک کند تا با تلاش مخلصانه‌ی خود، این هدف را هرچه نزدیکتر کنند و با اعمال خود ان شاءالله زمان آن را هرچه زودتر فراهم بیاورند.

امیدواریم خداوند متعال شما را حفظ کند، تأیید کند و این زحمتی که کشیدید و این راه طولانی را طی کردید، ان شاءالله مأجور باشید. به همه‌ی مردم عزیز استان بوشهر هم من به وسیله‌ی شما سلام و اظهار ارادت خود را اعلام میکنم. ان شاءالله خداوند از شما راضی باشد، روح مطهر امام بزرگوارمان از شما شاد باشد و امیدواریم خداوند شهدای عزیز ما را و شهدای عزیز و گرانقدر مردم بوشهر را با اولیائشان محشور کند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

1) حجة‌الاسلام والمسلمین صفائی بوشهری